

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مجید
محمد تقی شریعتی مدرس تفسیر

(سوره مبارکه انشراح - مکی است و هشت آیه دارد)

- ۱- اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۲- وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ
آیا نگشادیم و روشن نکردیم برای تو سینه‌ات را و فرو نهادیم از تو بار گران را
- ۳- اَلَّذِي اَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۴- وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ
آن بار گران که شکست پشتت را و بلند کردیم برای تو نام و آوایت را
- ۵- فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۶- اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا
پس بدرستی با هر آنگونه سختی آسانی است بدرستی با هر آنگونه دشواری بیانی و فراخی است
- ۷- فَاِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۸- وَ اِلٰى رَبِّكَ فَارْغَبْ
پس چون فارغ شدی بکوشی پرداز و بسوی پروردگارت پس زاری و پرستش کن از خداوند خود بخواه (۱)

شان نزول

درباره شان نزول این سوره و سوره پیش (الضحی) مفسران (۲) حدیثی از پیغمبر (ص) نقل کرده‌اند که آنحضرت فرمود: «از پروردگام پرسش کردم که دوست داشتم چنان پرسش نکرده بودم، گفتم پروردگارا پیش از من پیامبرانی بودند که برای بعضی باد را مسخر کردی و برخی مردگان را زنده می‌کردند و بدیگری پادشاهی بزرگ بخشیدی که پس از وی کسی را چنان سلطنت نسزد». و همچنین نعمتهائیکه بر پیغمبران پیشین ارزانی شده یاد میکند آنگاه خداوند الطاف و مراحمیکه درباره حبیبش مبذول فرموده است یادآوری کرده میفرماید: «علاوه بر جمیع این نعمتها بتو سه خصلت کرامت کردم که با آن سه خصلت ترا براهل آسمان و زمین برتری دادم، و آن سه گشادن و روشن کردن سینه و فرو نهادن بار گران و بلندی نام است» (۳). از این حدیث

۱ - ترجمه سوره از دو تفسیر ابوالفتح و کشف الاسرار با اندک تصرفی گرفته شده است .
۲ - برخی مفسرین این حدیث را در ذیل سوره والضحی و برخی ذیل این سوره آورده‌اند .
۳ - کشف الاسرار .

که بسیاری از مفسرین عامه و خاصه بعضی مختصر و بعضی مفصل و مفصلتر آنرا نقل کرده‌اند ، عظمت و اهمیت نعمت عظمای شرح صدر بخوبی و روشنی دانسته میشود که در برابر اینهمه معجزات و کرامات و نعمتهای بزرگ و قدرتها و ثروتها و سلطنتهای بی نظیر که بسایر انبیا داده شده باقا و سرور و خاتم پیامبران شرح صدر مرحمت شده است .

تناسب میان دو سوره

تناسب این سوره با سوره قبل (الضحی) بسیار روشن است زیرا در هر دو سوره پروردگار مهربان الطاف و عنایات خود را بر پیغمبر محبوبش یادآوری فرموده و بر امتداد میسازد که چگونه مورد مهر و محبت او بوده و چه نعمتهای بزرگ بوی بخشیده است و نیز او را امیدوار میسازد که در آینده بهتر و بیشتر از گذشته مشمول انعام و احسان پروردگارش خواهد بود و از این جهت مفسران شیعه (۱) آندورا یکسوره بحساب آورده و بسم الله را در میان نمیاورند همچنانکه دو سوره فیل و قریش را یکی دانسته‌اند و مفسران اهل سنت نیز یکی بودن این دو سوره را نقل نموده ولی در آن تردید کرده‌اند (۲) .



۱ - الم نشرک صدرك

لفظ شرح در لغت بمعنی باز کردن و گشادن و گستردن و فراخی بخشیدن و روشن و آشکار ساختن است و صدر بمعنی سینه است که مجازاً بمعنی دل (۳) هم میآید چون در سینه جای دارد ، بنابراین شرح صدر یا بمعنی باز کردن و گشادن دل و سینه و بر طرف ساختن دلتنگی و دلگیری از کسی است یا بمعنی: فراخ حوصله و با ظرفیت و پر تحمل گردانیدن است .

عبده در تفسیر این آیه میگوید: « بزرگی سینه در نظر تازیان نشانه نیرومندی و توانائی بود و بآن افتخار میکردند و حق با آنها هست زیرا هنگامیکه سینه بزرگ و فراخ باشد اعضاء درون آن مثل قلب و ریه در راحت بوده و بخوبی نمو میکنند و نمو آنها موجب نیرومندی میگردد و نیرومند بر نامالایمات و ناگواریها غلبه میکند و بسهولت مغلوب نميگردد و چنین کسی همواره بانشاط و آماده کار کردن و سخن گفتن است .

۱ - طبری و ابوالفتوح و دیگران که در این عقیده لفظ اخبار ما و اصحاب ما میآورند یعنی عموم مفسران شیعه و اخبار شیعی بران اتفاق دارند .

۲ - اغلب مفسرین سنی از قول طاووس و عمر بن عبدالعزیز یکسوره بودن والضحی و الم شرح را نقل نموده‌اند و فخر رازی اشکال میکند .

۳ - ابوالفتوح و بسیاری دیگر .

و در مقابل شرح صدر، ضیق صدر است که همان دل‌تنگی و دلگیری و بی‌زاری از کار و گفتار و تنگ حوصلگی است و در این آیه مبارکه هر دو لفظ با هم آمده است: **فمن یرد الله ان یمدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً کانما یصعد فی السماء** (آیه ۱۲۵ سوره انعام). یعنی: «هر کس را پروردگار بخواهد هدایت کند سینه‌اش را میکشاید و دلش را برای پذیرش اسلام باز میکند و هر کس را بخواهد در گمراهی فروگذارد سینه‌اش را تنگ بدون منفذ (۱) میگرداند بدانسانکه در آسمان بی‌الافتن کوشد». بعضی مردم اشتیاق فراوانی بمباحث دینی و مطالب اسلامی دارند باشادمانی و پرحوصلگی سخن دینی راه‌رچه طولانی‌باشد میشوند و رساله و کتاب دینی را هرچه بزرگ باشد میخوانند و احساس خستگی و دلگیری نمیکنند برخی دیگر درست برعکس بهیچوجه حوصله استماع مسائل دینی و مذهبی و خواندن آنها را ندارند با آنکه ممکن است کتابخوان و سخن‌شناس هم باشند. قرآن کریم حال ایندسته اخیر را در برابر اسلام بحال کسی تشبیه فرموده است که بی‌الافتن و اوج گرفتن در آسمان پردازد این تشبیه مشتمل بر **یک نکتة بلکه معجزه علمی است که دریغ است ناگفته ماندندانشمند بزرگوار لبنانی آقای غفیف عبد الفتح طباره در کتاب پر بهای خود (روح الدین الاسلامی) (۲) میگوید: «آیه فوق با صراحت کامل گویا است که هر کس بخواهد بسوی آسمان اوج گیرد دوچار عوارض اختناق میگردد علم هم (بلکه مشاهده و حس نیز) آنرا اثبات کرده است زیرا اکسیژن هوا در طبقات جو رو بکاهنی می‌رود و هر اندازه آسمان نورد در اعماق فضا بیشتر اوج گیرد در نتیجه صعوبت تنفس، احساس خفقان بیشتری خواهد کرد، و از اینجهت خلبانان و کسانیکه در ارتفاعات بیشتری پرواز میکنند از وسائل و آلات تنفس مصنوعی استفاده مینمایند که حاوی ماده اکسیژن باشد تا از اختناق جوی مصون بمانند».**

با کمال تأسف در زمان ما بیشتر مردم در برابر حقایق دینی که دل‌را روشن و روح را پاک و مغز را نیرومند میسازد کم حوصله و افسرده و دلگیر هستند و بعضی از همین افراد در برابر کفر و الحاد سینه‌ای گشاده و دلی باز و شوق و ذوقی فراوان دارند ولیکن من شرح **بالکفر صدراً فعلیهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم آیه ۱۰۸** سوره نحل یعنی: «ولی هر کس نسبت بکفر سینه گشاده و

۱ - ترجمه حرجا باین لفظ از حضرت صادق است تفسیر صافی نقل کرده که آن بزرگوار فرمود ممکن است . سینه تنگ باشد ولی منفذی داشته باشد که از آن حقرا ببیند و یا بشنود ولی حرج آن سینه بی‌روزی است که از همه طرف بسته است چشم و گوش دلش نمی‌بیند و نمیشنود .
 ۲ - این کتاب را باضافات و تعلیقاتی آقای سید احمد طیبی شبستری از فضلا قم ترجمه نموده و فرهنگ عقاید و قوانین اسلامی نامیده است .

رغبت و مسرت دارد پس مورد خشم خدا و سزاوار شکنجه‌ای بزرگ است». حال که تا اندازه‌ای معنی شرح‌صدر و ضدش که ضیق صدر است دانسته شد بخوبی درک میکنیم که چرا پیغمبر بزرگ حضرت موسی ابن عمران پس از آنکه مامور شد بسوی فرعون آن جبار متکبر سرکش برود و ویرا براه راست بخواند و نیز بنی اسرائیل سرسخت دیرباور اشکال‌تراش را رهبری فرماید نخستین خواسته‌اش از خداوند شرح‌صدر بود قال رب اشرح لی صدری و یسر لی امری آیه ۲۶ و ۲۷ سوره طه) یعنی: «موسی گفت پروردگار من سینه‌ام را برایم گشاده فرمای و کارم را برایم آسان نمای» چون در برابر هزاران دشواریها و سختیهای تو انفرسا که انجام ماموریتم در بردارد فقط شرح‌صدر میتواند نیرو و تحملی بمن بدهد که همه آنها برایم آسان گردد.

اینک عظمت مقام پیغمبر خاتم و محبوب‌بیش‌تزد پروردگارش از اینجا دانسته میشود که بدون تقاضا و طلب همینکه خداوند دلگیری و افسردگی حبیبش را می‌بیند خود باو شرح‌صدر میدهد: **و لقد نعلم انک یضیق صدرک بما یقولون** (آیه ۹۷ سوره نحل) یعنی: «وهر آینه بدرستی میدانیم اینکه تو تنگ‌میشود سینهات بآنچه میگویند» آری خداوند میدید که بنده برگزیده‌اش محمد (ص) بواسطه ماموریتی عظیم که بوی داده و بار مسئولیتی سنگین که بردوشش نهاده سخت گرفتار است شدائد از همه سوی او را در میان گرفته سرو کارش با مردمی است که شدیدترین اقوام جهان در کفر و نفاقند جمود و تعصب آنها در پرستش خدایان ساخته خود از سنک و چوب و خرما بینهایت است اخلاقشان فاسد و اعمالشان زشت است سنگدل و سفاک و نادان و در منجلا ب فساد فرورفته‌اند، هر چه در رهائی آنها میکوشد بنتیجه مطلوب نمیرسد سینه‌اش تنگ میشود پریشان و سرگردان میگردد خداوند مهربان پیغمبر محبوبش را مورد لطف و محبت خاص قرار میدهد دلش را روشن و سینه‌اش را فراخ میسازد بیشتر از دیگر پیامبران باتصمیم (اولو العزم) بوی عزمی آهنین و همتی بلند و شکیبائی و بردباری مرحمت میکند راه نفوذ در دلها را بوی میآموزد و چاره کار را باو نشان میدهد نیکوترین وسیله نجات آنها را در اختیارش میگذارد و با نزول وحی ویرا تقویت میکند و دلداری میدهد و تفقد و خبرگیری و دلجوئی مینماید و سراسیمگی و پریشانی و درماندگی او را بر طرف میفرماید چنان عظمت روح و قوت قلب و ظرفیتی شگفت باو می‌بخشد که حوادث روزگار هر چند بزرگ باشند دریای وجودش را طوفانی نمیسازد و آن کوه و قار را مترنزل نمیکند در همه احوال قلبش قوی و اندیشه‌اش استوار و خاطرش مطمئن و اعتمادش بتایید و یاری پروردگارش کامل است و علم قطعی و یقین دارد باینکه اینکس که او را فرستاده است یاریش خواهد کرد و دشمنش را پیروز نخواهد ساخت این بود معنی شرح‌صدر که از تفاسیر متعددی از جمله از تفسیر

محمد محی الدین استاد جامع از هر ترجمه و اقتباس کردیم . اما لطف تعبیر در این آیه کریمه
الم نشرح لك صدرك .

۱ - مطلب بصورت استفهام ادا شده است و بجای آنکه بفرماید مابتنو شرح صدر دادیم ،
فرموده آیا بتو شرح صدر ندادیم ؟

اینگونه تعبیر موقعی است که مطلب در نظر مخاطب بقدری روشن و مسلم و مقبول باشد که
جای کوچکترین شك و شبهه و تردید در آن نباشد مانند آیات سوره قیل: «ایا ترا یتیم نیافت پس
پناه داد... و نادارت یافت پس توانگرت ساخت» یا مثل آیه اول سوره فیل «آیا ندیدی چگونه
رفتار کرد پروردگارت با پیلداران» که در تمام اینموارد مطلب در نظر مخاطب یقینی و قطعی و
بدیهی بوده است، بنابراین معلوم میشود در این مورد نیز آثار شرح صدر در پیغمبر اکرم بدانسان
آشکار و هویدا و معلوم و مشهود بوده است که مثل روز روشن مینموده است.

۲ - لفظ نشرح با صیغه جمع (متکلم مع الغیر) آورده شده و آیا نگشادیم گفته نه آیانگشادم
بصورت مفرد (متکلم وحده) تا عظمت شرح دهنده را برساند و وقتی بخشنده بزرگ و عظیم بود
بدیهی است که عظمت بخشش از آن فهمیده میشود نتیجه آنکه نعمت شرح صدریکه به پیغمبر خاتم داده
شده از آن نعمتهائی است که خردها بحقیقت عظمت و جلالش راه ندارند و اندیشهها بآن نمیرسند.

۳ - افزودن لفظ لك (برای تو) در آیه که فرمود «آیا نگشادیم برای تو سینهات را» یا
باین جهت است که خداوند میخواهد به پیغمبرش بفهماند که نعمت شرح صدر فائده اش بتو بر-
میگردد و تو هر پیشرفتی که در سایه این نعمت در امر رسالت خود کنی و دین تو گیرد زماهی تا
بماه همه اش بسود تو است اما من بی نیازم نه طاعت دینداران سودی و نه معصیت گنهکاران و کفر
کافران زبانی بمن میرساند .

یا باین سبب است که نتیجه خلوص و اخلاص بنده برگزیده و هم عظمت بیمانند حبیبش را
برساند و بفرماید ای پیامبر محبوب ما همچنانکه وظیفه تو در مقام بندگی و پرستندگی این است
که هر چه میکنی برای پروردگارت بکنی و هر چه انجام میدهی جز خدا را در نظر نداری :
اقم الصلوة لذکری... فصل لربك (۱) مقتضای محبت و رحمت ما نیز این است که هر انعام و احسانیکه
درباره تو (حتی درباره دیگر مخلوق) میکنم برای تو باشد که لولاک لما خلقت الافلاك یعنی اگر
تو نبودى جهانیان را نمیافریدم .

۲ - ووضعا عنك وزرك ۳ - الذی انقض ظهرک

یعنی (و فرو گذاشتیم از تو بار گرانت را ۲ که شکسته بود و بصداء آورده بود پشتت را ۳).
عموم مفسرین و کتب لغت گفته‌اند لفظ وزر بمعنی بارگران و هر چیز سنگین است ولى
برگناه نیز گفته میشود. طبرسی میگوید: «وزر در لغت بمعنی ثقل است و وزیر از آن گرفته شده
چون ائصال مملکت را تحمل میکند و گناه را هم وزر مینامند زیرا مانند بار سنگین موجب شکنجه
و رنج بسیار میگردد» .

و لفظ انقض از نقیض گرفته شده است که بمعنی آوازی است که از کجاوه و بارسنگین یا
از پشت و پهلوی چهار پا هنگام بار کردنش شنیده میشود پس لفظ انقاض بمعنی باواز در آوردن
است که مجازا معنی شکستن و کوفتن میدهد و همچنین لفظ بقض بمعنی هدم و درهم کوفتن میآید
باتوجه بمعنای دولفت وزر و انقاض ترجمه‌ایکه از دو آیه فوق کردیم کاملاً روشن میگردد .

هرگاه بانظری اجمالی زندگانی پیامبر بزرگوار اسلام را بنگریم و گرفتاریها و سختیهای
دوران پرمارت حیاتش از یتیمی و ناداری و سختی معشیت در نظر آریم آنگاه از آغاز بعثت و
آزار بسیاریکه از قومش دید و رفتار ناهنجار آنان و شکنجه‌هاییکه بر پیروانش دربر آورده گانش
وارد میساختند که بنابینائی و اختلال حواس حتی مرگشان منتهی میگشت و خودش و اصحابش را
به ترک یار و دیار و هجرت از خانه خدا و رفتن بمدینه مجبور کردند و نیز حوادث و وقایع دلخراش
بعداز هجرت از جنگها و غزوات و خیانتها و جنایتهای یهود و منافقین در مدینه که نیکوترین
بیان برای تصور اجمالی آنهمه ستم و آزار کلمه جامعه خود آنسوراست که فرموده‌ی پیغمبر را
مانند من آزار نکردند و خلاصه همه این امور را بخاطر آوریم آنوقت بخوبی سنگینی باریکه (از
بابت تشبیه معقول بمحسوس) پشت پیغمبر را شکسته بود بطوریکه آواز شکستن شنیده شود پی
میبریم و از آنچه در ذیل آیه نخست راجع بشرح صدر گفتیم معنی فرو نهادن بارسنگین از رسول
اکرم دانسته شد که خداوند بآن بزرگوار نیرو و توانائی خارق العاده و شکیبائی و تحمل بسیار و
حوصله فراخ عنایت فرمود و ویرا راهنمائی و رهبری نمود که ملتش را از عقاید باطل و اوهام
فاسد و اخلاق ناپسندیده و اعمال زشت رهائی بخشید بنابراین نیازی نیست که ما وزر را بمعنی
گناه بگیریم و برای صحت اسناد گناه بکسیکه دامش بآن آلوده نیست بتوجیه و تاویل پردازیم،
چنانکه برخی مفسران کرده‌اند
(ناتمام)